مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۹ — تکشماره ۵ ریال — شماره ۳۳

تظاهر عظیم

نیرو و همبستگی زحمتکشان جهان

هفته گذشته مردم زحمتکش و شرافتمند سراسر جهان روز اول ماه مه جشن بزرگ زحمتکشان را تحت شعار تحکیم صلح مقتدر صلح و مبارزه علیه جنگ افروزان با عظمت و شکوه بی نظیری برگذار کردند. تظاهرات اول ماه مه امسال جلوه خاصی داشت زیرا در یکسالهٔ گذشته اردوی عظیم مدافعین صلح و دموکراسی در همه جا و در تمام قلمروهای مختلف حیات اجتماعی تحکیم و توسعه یافت. اتحاد جماهیر شوروی که رهبر خردمند و پرچمدار نیرومند پیشرفت مترقی است در دورهٔ انجام نقشه‌های بزرگ اقتصادی و بالا بردن سطح زندگی مادی و معنوی ملل خود به پیشرفتهای درخشانی نائل آمد. کشورهای دموکراسی توده که در جاده سوسیالیسم قدم گذاشته‌اند با استفاده بیشتر از تجربیات گرانبهای حزب بلشویک و اتحاد شوروی با سرعت بی‌سابقه‌ای به پیش تاختند. انقلاب آزادی‌بخش چین عظیم نهائی نائل آمد و این قارهٔ عظیم را با جمعیتی قریب نیم میلیارد نفر بازوی گاه صلح و دموکراسی متحد ساخت. جمهوری دموکراسی آلمان عنوان نائب انقلاب آلمان واحد و متحد موسسات پایه‌ریزی شده گذاشت. مبارزه ملت لهستان و پیت نام موفقیتهای بزرگی کسب کرده و جمهوری دموکراسی ویت نام از طرف قاطبهٔ دولتهای آزادیخواه برسمیت شناخته شد.

یکی از استلالی علیه مظاهر استعمار مخصوصاً در جنوب شرقی آسیا شدت یافت و کاخ امپریالیسم برای استقرار و تحکیم آن در این نواحی با تلاشهای بر سد و بالاخره در میان گفته جوی مدافعین صلح در سراسر جهان و به مبارزه فر بالغ گردید و مبارزه آنان در هفته‌های نیمه‌ماه آتش‌افروزان جنگ جدید صورت تعدی جنگی و تشکیلاتی بخود گرفته و در سیاری از مواردی مواضع قبلی جمهوری برمن راه قهرمانی آسیائی بوجود آورد. زحمتکشان عالم در اول ماه مه امسال در حقیقت به پیروزی بی‌نظیر دست یافتند. بخش بزرگی از تشکیلات و تجربیات آموزنده گذشته از اندوخته خویش را برای اجرای موفقیت‌های بزرگ آینده تمایل دادند. همه سازمانهای دموکراتیک جهانی و ملی تصمیم گرفتند که تظاهرات اول ماه مه را به گام بزرگی و موثری در راه تقویت صلح میان سازند. بحث جهت بود که شعار عالی ماه و جهاد مقتدر صلح و دموکراسی را انتخاب نموده و تحت عنوان «صلح» و «جنگ» و «آتش افروزان جنگ» و «دشمن صلح و دموکراسی» و «دشمن صلح» و «دشمن جنگ» و «دشمن صلح» و «دشمن جنگ» و «دشمن صلح» و «دشمن جنگ

کارگران، دهقانان، پیشه‌وران و روشنفکران
حیدر اتحاد شدید
باسرکوبی استعمار کشور ایران
مبارزه کنید

پست باد اصول منفور رضا خانی

درحقیقت فسادات دکتر علی ارانی رهبر بزرگ نهضت آزادی ایران محسوب میشود . او مسئول کشتارهای متوالی آزادیخواهان در زندانها و بیمارستانها است ، مسئول مستقیم قتل آنهائی است که در نقاط مختلف کشور بوسیله گماشتگان فراقان وی از پا در آمدند . رضا خان مسئول افکندن کشور ما بدامان فاشیسم هیتلر هیتلری است . او در سالهای آخر حکومت خود ، میهن ما را به آلمان هیتلری فروخته بود ، همان فاشیسم هیتلری در ایران نغمه اسارت و استعمار علنی این کشور والحاق میهن ما را به مستعمرات وسیع و آلمان بزرگ میکشیدند . او در زمانیکه انتظار ورود قشون هیتلری را از قفقاز میکشید مواجه با شرایط مؤثر جبهه فاشیسم شد و دستگاه پوشالی او بفاصله یکی دو ساعت درهم فرو ریخت عزت ملت ایران نسبت بدین مجسمه خیانت ، وطن فروشی و غارتگری بحالی رسید که دوره «کبیر» محسوب شد درمیان تف و لعنت ملت ایران قرار گیرد .

حتی منفور و حتی کسی را که با آن وضع قرار گرفته بود دیروز با تشریفات وارد تهران کردند . **اما این تشریفات مسخره برای تجدید اصول شوم رضاخانی کمکی نخواهد کرد .** ملت ایران رضاخانیها را محکوم کرده است و صحه وکیل هم قدیماً طرد میکند .

این عده‌ای که برای رضاخان ساخته اند گرچه بمیل و رضایت ملت ایران تهیه شده ولی متعلق به تمایلات خیانتکارانه ملت ایران است . **بازماندگان رضا خان میخواهند این بنیه شوم را طلیعهٔ دیکتاتوری جدید سازند ولی ملت ایران این دسیسه‌ها را درهم خواهد شکست و این آثار ننگ و شرم را از صحنه تاریخ خود خواهد زدود. ایران متعلق به ملت ایران است. دیکتاتورطلبان بازماندگان رضاخان و خوشتاران تجدید اصول رضاخانی بدانند که دورهٔ آنها نزدیک بپایان است و این مسخره بازیهای بی معنی بهیچ وجه آنها را از انتقام شدید ملت ایران نخواهد رهانید**

زنده باد دانشجویان دانشگاه تهران

جواب منفی خودرا در لفافه «دوستی» با دانشجویان میداد و تکرارا جمالی رسانه که بدروغ گستاخانه‌ای دست زد و روز سه‌شنبه ۱۲ اردیبهشت وزیر فرهنگ در مجلس اظهار کرد که گویا دانشجویان سال پنجم پزشکی اعتصاب را شکسته اند ، در حالیکه طبق نوشته کیهان این مطلب دروغ محض و بیشرمانه ای بیش نبوده . از طرف دیگر دکتر اقبال بادولی میکرد و حتی بیکبار گفته بوده است که دو دانشکده پزشکی را خواهند بست . این همان مرتجع بیشرمی است که بکرمان در باره حزب تودهٔ ایران نیز گفت که « من ترجیح میدهم در مدارس را ببندم و بر مدارس اسم حزب توده برزبانی جاری نشود . شورای دانشکده پزشکی هم از ترس خشم دانشجویان مزدکی جلسه خود را از تهران بکرج انتقال داد و پانزده هزار ریال بحساب دانشکده مصارف جلسه پرداخت و تصمیم گرفت که به اعتصاب نباید جواب مثبت داد .

جرایدمیچنین اطلاع میدهند که روز پنجشنبه ۷ اردیبهشت بالاخره کمیسیونی تشکیل شد که در آن معاون وزارت بهداری وزیر فرهنگ ، رئیس دانشگاه ، رئیس دانشکده پزشکی و دکتر اقبال و دهها نفر از نمایندگان دانشجویان پزشکی نیز حضور داشتند . این کمیسیون تحت فشار افکار عمومی مردم دانشجویان شعاما قولی داد که البته تمام هدف دانشجویان را شامل نبود .

لذا دومنستراسیونهای باشکوه هزاران دانشجویان دانشگاه تهران که روز نامه اطلاعات تعداد آنها را چهار هزار نفر تخمین زده بود تشکیل شد و طبق نوشته جرایدعدهٔ ازدانشجویان حتی بایشه کومنویان خود را بسیج مردم و اولیای امور رسانیدند .

بزرگترین نتیجه‌ای که دانشجویان از این مبارزه بی سابقه و بزرگ گرفته این بود که اولا نیروی اتحاد عظیم خود بی برد و عده‌ای که هنوز سابقهٔ دستگاه ساکه پی نبرده بودند آنرا بفرستی شناختند آنها نیز اعلامیه‌های خود نویدهای جانبخش بمردم دادند . بمردم گفتند که تا بهدفهای مشروع خود نرسیده‌ست از مبارزه همگانی نخواهند کشید .

مردم صنایع بیدند که اگر در شاهی سربلند و کردن جبار را باید بلوولو تهدید کرد تا نیروی برادران و خواهران ، بکمک خود تیر خالی کند و خون عدای بیگناه مصروع را بزمین نریزند ، و اگر در قم سیاست مخالفت شدید جوره روحانی قم بورود لاشه رضاشاه بایران دولت مجبور میشود پلک گردان نظامی احرام داده و اگر دانشجویان دانشگاه تهران دست بچنین مبارزه طولانی و همگانی میزنند ، نشانه آنست که تمام ملت و تمام طبقات ملت ایران امروز دو نهایت باشرمندی است . ودستگاه ساکه ایران هرگز مانند امروز در تزلزل ملت منفور نمی باشد .

پیروز باد علم و دانش در مبارزه باسرنیزه وزور !

زنده باد دانشجویان دانشگاه پیشقراول مبارزه روشنفکران ایران!

تظاهر عظیم نیرو و همبستگی

بعمل آمد و در پایان آن بیش از سه ملیون نفر از زحمتکشان پایتخت کشور خودرا بای کوبان و رقص کنان از میدان سرخ عبور کردند . قطعهای عظیم اسلحه سنگین متوالی بسوی میدان سرخ روان بود و در تمام این مدت استالین بزرگ و محبوب که پدر چند ماهه امیر چاپلوسی های بی شرم امپریالیسم چند بار هر مرگ او را داده بودند بایستگاه بلند نگرانی بالای کل ملاحظه میشد و استحکام برای استاده و به خانه‌های نمایش دهنده گان با گرمی و صمیمیت پاسخ میداد .

در چین آزاد قطعهٔ انبوه ای جلو زحمتکشان جلوهٔ عظیمی داشت . امسال برای نخستین بار در تاریخ چین جشن اول ماه بصورت رسمی و همگانی برگذار شد و مردم قهرمان این سرزمین اشتیاق بی نظیر و عبور آزادانه از جبهه‌ها و خیابانها مؤثر بخش عظیم بیست ساله و پیکار پیروزمندانه خود را برای آزادی نمایش میداد و در شهر بزرگ و معمار کاخ امپراطوران چین واحدهای نیرومند از نیز آزادیبخش و دو دنیای آن نه ملیون نفر از زحمتکشان شهر در برابر مائو تسه تونگ و رهبران ملت چین و چو ته سرفرمانده نیروهای مسلح و سایر سران و رهبران حضور داشتند در دو سر عظیم فاشیستهای غربی سیصد ملیون نفر در دو کمپ بیش از نه ملیون نفر ، در پکن ، پایتخت ، و نجد تبت هر یک سیصد هزار نفر در نمایشات اول ماه شرکت کردند . در سایر کشورهای دموکراسی توده نیز جشن و زحمتکشان متحرکه پرشکوه و امید بخشی داشت . در تمام این کشورها که برای مسئله ازبوع استثمار و استعمار خلاصی یافته اند مردم با شادمانی و غرور این عید فرخنده را با موفقیت‌های نوینی در رشته‌های مختلف کار و دانش استقبال کردند و در جریان نخستین و بزرگ پایان خودرا نسبت بصلح و دموکراسی که دوران آن آغاز شده است شوروی کبیر قرار داده ابراز داشتند دوروز پیش سیصد هزار نفر ، در هلسنکی چهارصد هزار نفر ، در صوفیه و بلگراد هر یک سیصد هزار نفر ، در وارسو بیست و یک به نیم ملیون نفر در نمایشات اول ماه شرکت کردند . در جمهوری دموکراسی آلمان نیز امسال جشن اول ماه به باعظمت بی سابقه‌ای برگزار شد در برلین شرقی پایتخت جمهوری بیش از یکملیون نفر از زحمتکشان و جوانان آزاد آلمان در حالیکه پرچم سایر ملتهای و پرچم صلح کارگری و همگیهای بزرگ مارکس ، انگلس ، لنین و استالین باهود میرفتند بصفوف متشکل و منظم ابزار و جمال دولتی و رهبران سیاسی خلق عبور کردند و ارادهٔ خلل ناپذیر خویش را برای مبارزه در راه صلح ، تقویت جبهه ملی و تامین وحدت و تحکیم برادر آلمان باقوت و میجان بی نظیری ابراز داشتند .

در کشورهای سرمایه‌داری و سالک مستعمره و نیمه مستعمره نیز تمایل بدود همبستگی و همکاری بخصوص بر شانه بود در پاریس بیش از نیم ملیون نفر در تظاهرات شرکت کردند . در میلان ، رم و شهر آزاد تریست هر یک دو سیصد هزار نفر بصفوف فشرده و منظم راسخ تحکیم صلح و دموکراسی از خیابانها عبور کردند . در لندن و نیز در برلن بیش از یکصد هزار نفر در میدان امپریالیسم نیز دهها هزار نفر وفاداری و پشتیبانی خود را نسبت باردوگاه دیگران صلح و دموکراسی خلل اظهار نمودند . در کشور امپراطوری بیش از یکصد هزار نفر در مراسم اول عامه علیه شرکت جسته . در رانگون و سایگون طوفانی اردو و خیابانها و فشار بیحد و حصر پلیس مردم زحمتکش و مبارز خیابانها و بجنگ و در حالیکه در جهان صلح کارگری و همگیهای بزرگ کشاورزی و دانش بسیار نو تنگ بنمود داشتند مراکش نفر و هنوز خود را نسبت بدین امپریالیسم استعمار مظاهر میساختند . برای آزادی بخش و بدست بیست جشن اول ماه در کوبا و سایگون و کشورهای غربی فرانسه و بلجیک قرار هنگامی بر دارای گلوله‌ها و حبس‌های خود قرار داد و آنرا از حق اجتماع خارج ساخت .

سیصد ملیون نفر مردم عادی و با شرف دنیا ضمن تظاهرات و نمایشات وسیعی خود سیاست جنگی با هدف زحمتکشان یکدیگر بصدور ما اعلام داشتند که زحمتکشان اول جهان جنگ جراز خود بیکر حاضر نیستند خود را بوده سودا گری آدمخواران غربی بسپارند و بدین بر به

ملتی خون میخورد..

چون کارگران زمین میریزند و در یکروز ده‌ها آن جوانها میشوند

در این وقت ساکه جهان ایران بلاست خود شاره‌ه گور خود میکند آنها مردم را خوابیده پنداشته ، ولی مردم بیدارند . صنایع آنها را بی‌بنیه و روز بروز بیرونه اینهام کامل و معنی آنها معرفی و بیارجاز میشوند . اینهام طغیان ساکه پوسیده دامنه کشورهائی از قبیل چند هنوز هست ساکه ایران از خوف نفت بیدار نگرده است . دو بار جهان ایران تصور میکند که میتوانند با سلاحهای و تنگ راه‌ام کشتره‌ه‌گ‌ه‌ه‌ه‌ه ، ولی کوشش‌ها و همه‌طغیان‌ها و اجتماع ایران بیرونه‌ه‌ه‌ه کشتی شکسته ، اگر راه‌ه‌ه‌